

نامه ای به رئیس‌جمهور محترم

✽ سعید نیازی

موضوع : در دفاع از رویکرد اصلاح‌طلبانه و رانت‌ستیزانه یک وزیر؛ هشدار درباره پیامدهای قربانی‌کردن کارآمدی به پای مصلحت‌های کوتاه‌مدت

جناب آقای دکتر پزشکیان
رئیس‌جمهور محترم جمهوری اسلامی ایران با سلام و احترام،

این نامه نه از موضع مخالفت، که از سر دلسوزی برای آرمان‌های مندرج در شعارهای عدالت و مبارزه با فساد دولت شما نوشته می‌شود. سخن از وزیری است که به نظر می‌رسد بیش از هر عضو دیگری در کابینه، به معنای واقعی «پای شعار عدالت و انصاف دولت شما ایستاده است» و امروز، در اوج بی‌عدالتی، آماده قربانی شدن است.

پرسش نخست و بنیادین این است: آیا دولت چهاردهم، به رهبری شما، به دنبال فهم و حل ریشه‌ای مشکلات است، یا تنها برای ایجاد «تفسی مصنوعی» سیاسی و تخلیه فشار افکار عمومی خسته و معترض، به دنبال یک «قربانی» نمایشی می‌گردد؟

وزیر محترم جهاد کشاورزی، دکتر غلامرضا نوری ، در میدانی نبرد کرده است که با «اژدهای هفت‌سر» تحریم‌های فلج‌کننده، خشکسالی تاریخی، کمبود منابع آرزی، تورم جهانی، نظام توزیع معیوب، رانت‌خواری ساختاری و فشار شبکه‌های وارداتی قدرتمند احاطه شده است. انتظار معجزه از یک فرد در این میدان، و در زمان کوتاه یک سال و چند ماه ، نه انصاف ، بلکه فرافکنی کلان مشکلات ساختاری و دهه ها سوءمدیریت در بخش کشاورزی است.

اما واقعیت عملکرد چیست؟

در طول ۱۶ ماه گذشته :

۱. چه کسی با شجاعتی کم نظیر، مستقیم به قلب شبکه‌های رانت و انحصار در واردات نهاده‌ها حمله برد و با اصلاح فرآیندها، بیش از یک میلیارد دلار از منابع ارزی کشور را نجات داد؟ این صرفه‌جویی، خروجی مستقیم همان سیاست مبارزه با فسادی است که شما بر آن تأکید دارید.

۲. چه کسی فراتر از وظایف وزارتخانه‌اش، برای حل بحران انرژی کشور، ۳۰ هزار هکتار زمین را بدون حاشیه و در کمترین زمان برای تولید ۲۰ هزار مگاوات برق در اختیار دولت قرار داد؟

۳. چه کسی قاطعانه قوانین مترقی ولی راکد «سنددار کردن زمین‌های کشاورزی» و «رفع تداخلات» را برای مبارزه با زمین‌خواری و بازپس‌گیری اموال عمومی به اجرا درآورد و با مافیای زمین فراداد؟

۴. چه کسی در «جنگ ۱۲ روزه» امنیت غذایی کشور را با کمترین التهاب مدیریت کرد و ثبات را به سفره مردم در بحرانی‌ترین شرایط برگرداند؟

یارانه‌ها نه کاهش می‌یابد و نه حذف خواهد شد

رئیس‌جمهور پزشکیان با تشریح دلایل حضور خود در وزارت جهاد کشاورزی در روز تعطیل، به شائبه‌های مطرح‌شده درباره برخی تصمیمات دولت پاسخ داد و تأکید کرد: هیچ‌یک از اعضای کابینه بر اساس روابط سیاسی، دوستی یا ملاحظات شخصی انتخاب نشده‌اند.

دکتر مسعود پزشکیان اظهار کرد: در یکی از جلسات، شائبه‌ای ایجاد شد مبنی بر اینکه یکی از وزرا به دلیل دوستی انتخاب شده است. در همان جلسه صراحتاً اعلام کردم که نه‌تنها دکتر نوری، بلکه همه وزرایی که انتخاب شده‌اند، پس از اخذ نظرات کارشناسی از مجموعه‌ای از مدیران، اساتید و حتی سیاستمدارانی که حضور داشتند و در حد امکان، انتخاب شده‌اند.

دکتر پزشکیان یادآور شد: ما هیچ فردی را به‌صورت سیاسی، به دلیل ارتباط، دوستی، قوم‌وخویشی یا مسائل مشابه انتخاب نکرده‌ایم و انتخاب مدیران صرفاً بر مبنای مشورت‌های کارشناسی و تخصصی بوده است.

بخش دیگر این جلسه به تصمیمات اتخاذشده درباره هدفمندسازی منابع مربوط می‌شود؛ تصمیمی که بر اساس آن، منابع از ابتدای زنجیره به انتهای زنجیره منتقل می‌شود که اقدامی بسیار بزرگ و مهم است. به همین منظور، برای گفت‌وگو با نمایندگان اصناف و مدیران مربوطه در این جلسه حضور یافتیم تا دقت شود اگر در میانه زنجیره، تولیدکنندگان، ارائه‌دهندگان خدمات یا فعالان این حوزه با مشکلی مواجه شدند،

مسیر اجرای این سیاست مشخص شده است. دولت به هیچ وجه یارانه‌ها را قطع نخواهد کرد و آن‌ها را کاهش نیز نمی‌دهیم. یارانه‌هایی که باید پرداخت شود، پرداخت خواهد شد، اما به انتهای زنجیره منتقل می‌شود.

دکتر پزشکیان ادامه داد: این‌گونه نیست که مبلغی که امروز به مردم پرداخت می‌شود، سال آینده هم ثابت بماند، در حالی که قیمت‌ها تغییر می‌کند. با افزایش قیمت‌ها، سهم زنجیره نهایی نیز بر اساس همان قیمت‌ها افزایش پیدا خواهد کرد. این‌طور نیست که مثلاً در گذشته ۴۰ هزار تومان پرداخت شده باشد و همان رقم باقی بماند، در حالی که قیمت‌ها به‌شدت تغییر کرده است.

سختگوی جبهه اصلاحات

جواب اعتراضات سرکوب نیست

اگر گوش‌هایمان را ببندیم، مشکلات بزرگ‌تری در راه



✽عرفان بیوک نژاد
جواد امام، سختگوی جبهه اصلاحات، در گفت‌وگو با رویداد۲۴ تأکید کرد اگر مشکلات

اقتصادی و اجتماعی نادیده گرفته شود، خشم جامعه روزبه‌روز شدیدتر خواهد شد. به گفته او، اگر مردم قانع نشوند، خشم فروخته جامعه با هر برخوردی شعله‌ورتر خواهد شد.

اعتراضات سراسری مردم در شهرهای مختلف ایران که از هفتم دی‌ماه و بازار تهران آغاز شد، حالا وارد ششمین روز خود شده و در بسیاری از نقاط کشور ادامه دارد. این اعتراضات، همزمان با

جشب بی‌سابقه نرخ دلار، سقوط ارزش پول ملی و افزایش سرسام‌آور قیمت‌ها رخ داده و بازتاب گسترده‌ای در رسانه‌های داخلی و بین‌المللی داشته است.

وجه تمایز این اعتراضات با دوره‌های مشابه در سال‌های گذشته، پذیرش رسمی و نسبی از سوی دولت در روزهای نخست بوده است. برخلاف اعتراضات سابق، دولت اعلام کرد که اعتراضات را به رسمیت می‌شناسد و نیروهای امنیتی در برخورد اولیه، شکلی از نرمش و تدبیر را نشان دادند. با این حال، در برخی مناطق، اعتراضات به خشونت کشیده شد و طبق گزارش‌های رسمی، تعدادی کشته و زخمی داشته است.

در این شرایط بحرانی، جواد امام، سختگوی جبهه اصلاحات، در گفت‌وگو با رویداد۲۴، تحلیلی شفاف و دقیق از وضعیت فعلی ارائه داده و نکات مهمی درباره پاسخ دولت، چالش‌های حکمرانی و پیامدهای اجتماعی اعتراضات مطرح کرده است. مصاحبه او نه تنها بازتاب واقعی صدای مردم است، بلکه هشدارهایی جدی برای سیاست‌گذاران کشور نیز در خود دارد.

جواد امام، سختگوی جبهه اصلاحات، در

وی ضمن هشدار به دولت، گفت: «آقایان باید راهکارشان را برای جمع کردن بحران و پاسخ به وضعیت معیشتی و نابسامانی‌ها ارائه دهند. مردم با مشکلات شدیدی مواجهند و این صدای واقعی آنهاست که دیر شنیده می‌شود. اگر گوش‌هایمان را ببندیم، مشکلاتی ایجاد خواهد شد که هیچ‌کس قادر به جلوگیری از آن نخواهد بود.»

جواد امام در ارزیابی برخورد پلیس و نیروهای اعتراضاتی با معترضان نیز گفت: «پاسخ به اعتراضات سرکوب نیست؛ تدبیر لازم دارد و دولت باید مردم را قانع کند. اگر مردم قانع نشوند، خشم فروخته جامعه با هر برخوردی شعله‌ورتر خواهد شد.»امام در پاسخ به این سؤال که آیا اپوزیسیون و چهره‌های خارجی می‌توانند از این وضعیت سوءاستفاده کنند، گفت: «اگر صدای مردم را بشنویم و تدبیر کنیم و آنچه که پس از جنگ ۱۲ روزه برای آشتی با مردم لازم بود، انجام شود، دشمنان بیرونی هیچ‌گاه نمی‌توانند سوءاستفاده کنند. متأسفانه آنچه انتظار می‌رفت اتفاق نیفتاده و این زمینه را برای سوءاستفاده فراهم کرده است.»اعتراضات جاری، بیش از هر چیز، بازتاب فشار اقتصادی و ناکارآمدی‌های مدیریتی است و پذیرش رسمی آن توسط دولت، تنها نقطه تمایز با اعتراضات پیشین محسوب می‌شود. جواد امام با تأکید بر ضرورت پاسخ عملی به مطالبات مردم، هشدار می‌دهد که بی‌توجهی به این اعتراضات، زمینه خشم گسترده و سوءاستفاده بازیگران داخلی و خارجی را فراهم می‌کند.

حرف اصلی روشن است، اعتراضات باید فراتر از به رسمیت شناخته شدن، راهکاری عملی و پاسخگوی واقعی دریافت کنند تا هم ثبات اجتماعی حفظ شود و هم صدای واقعی مردم شنیده شود.

پاسخ تهران به خط و نشان ترامپ

مداخله کنید، پشیمان می‌شوید

بکشاندا! بخش نخست گزاره شرطی کذبى که ترامپ در تروث سوشال منتشر کرده است متضمن این ادعای خلاف واقع است که «اگر ایران به معترضان مسالمت‌جو شلیک کند ...»، چنین ادعایی در حالی مطرح می‌شود که بن‌مایه اعتراضات تنگناها و مشکلات معیشتی است، مشکلاتی که پیش و پس از جنگ ۱۲ روزه بارها و بارها از سوی دولت، مجلس و قوه قضائیه بر آن صحنه گذاشته شده است و برنامه‌هایی نیز برای راهپای از آن از سوی قوای سه گانه و به طور ویژه دولت در دست اجرا است.

بنابراین وقتى مسئولان كشورى، لشكرى، امنيتى و فعالان سياسى همگى به شرايط سختى كه گريبانگيز مردم شده اذعان دارند و در تلاش براى حل آن هستند، آيا گلله‌اى به سمت معترضان به حق، شليك خواهد شد؟ آيا مردمى كه صرفا مطالبه معيشتى دارند صف خود را از اغتشاش طلبان و براندازان جدا نخواهند كرد؟ آيا مردم كوچه و بازار كه همواره بخشى از تاريخ شفاهى چنين حوادثى هستند از تعداد معترضان بى‌اطلاع هستند؟ آيا همين مردمى كه بخش عمده مشكلات معيشتى آنها ناشى از تحريم‌هاى ظالمانه ترامپ و خروج يكجانبه و غيرمنطقى وى از برجام است، نتيجه سال‌ها مداخله ترامپ و اسلاف وى را در كشورهايى همچوار به ياد ندارند و چهره تزوير را از پشت نقابى تكرارى و پوسيده نمى‌بينند و به اين اظهارات شك نمى‌كنند؟ اما به هر حال آنچه مسلم است سياست ترامپ اعمال فشار حداكترى عليه جمهورى اسلامى به قصد تجزيه كشور از طريق آشوب‌هاى دامنه‌دار خيابانى يا در خوشبينانه ترين حالت كاهش توان مو شكى كشور و دستيابى به توانايى تغيير در راهبردهاى كلان كشور است.

ترامپ اعتراضات فعلى را فرصتى براى تشديد فشار و تهديد نظام حكرمانى ايران و فرسايش ذهنى جامعه مى‌بيند و از هيچ تلاشى براى دميدن در اعتراضات مردم و سياسى كردن آن فروگذار نخواهد كرد. بر همين اساس ساعتى پس از انتشار پيام ضدايرانى رئيس‌جمهور ايالات متحده آمريكا، بسيارى از مسئولان كشور فارغ از تعلقات جناحى در مقام پاسخگويى به آن برآمدند كه گواهى بر رجحان «امر ملى» بر رقابت‌هاى سياسى، هوشيارى و قاطعيت در برابر سناريوهاى ضدايرانى سلطه‌طلبان است.

در اين چارچوب على لارايجانى، دبير شوراى عالى امنيت ملى با فاصله‌گذارى ميان كسيه و عوامل تخريب‌گر نوشت: «با موضع‌گيرى مقامات اسرائيلى و ترامپ، پشت صحنه ماجرا روشن شد. ما مواضع كسيه معترض را از عوامل تخريب‌گر جدا مى‌دانيم و ترامپ بداند دخالت آمريكا در اين مسئله داخلى برابر است با بهم‌ريختگى كل منطقه و هدم منافع آمريكا. مردم آمريكا بداندند ماجراجويى را ترامپ شروع كرد. مراقب سربازان خود باشند.»

محمدياقر قاليباف، رئيس مجلس شوراى اسلامى در واكش به گرافه‌گويى رئيس‌جمهور آمريكا مانند رئيس شوراى عالى امنيت ملى كشور با تفكيك صف معترضان از مزدوران خارجى



اعتراضات خيابانى

PDF Compressor Free Version

✽عاطفه پيرايش
دانشجوی دکتری فلسفه



به خاطر دارید که پس از جنگ دوازده روزه، برخی از مردان عرصه ی سیاست در ایران به حاکمیت هشدار داده بودند که باید هرچه سریع تر خود را اصلاح کند و به سوی مردم بازگردد و بر این باور بودند که اگر حکومت سریعاً اقداماتی معنادار و اثرگذار در راستای تحقق خواست مردم انجام ندهد، صبر مردم لبریز خواهد شد و آنها بار دیگر به خیابان خواهند آمد.

هدف آنها صرفاً انتقاد از دولت نبود چون به نظر می رسد دولت در ایران مدتهاست که استقلال عمل و توان حاکمیتی خود را از دست داده است. منظور این افراد نیز تغییرات جزئی و طرح های توخالی نبود بلکه خواستار تغییرات بزرگ در قلب حاکمیت بودند. مثلاً برخی می گفتند که نیازی به وجود دو قدرت نظامی مجزا در ایران وجود ندارد و بخش نظامی سپاه پاسداران باید در ارتش ادغام شود و سایر بخش های آن نیز که در عرصه های مختلف فرهنگی و اقتصادی اعمال قدرت می کند، منحل شود. بدین ترتیب، این نهاد باید بپذیرد که دست از حکومت و تصمیم گیری در عرصه ی سیاست، اقتصاد و فرهنگ بردارد و صرفاً به وظیفه ی اصلی خود یعنی نظامی گری بپردازد. اما چنین تغییری، نیاز به نیرویی عظیم دارد و به نظر می رسد مخالفان آن در هسته ی قدرت بیش از موافقان آن است و به همین دلیل تقریباً هیچ کس باور نکرد که چنین اتفاقی در ایران به وقوع بپیوندد و اساساً چنین امکانی وجود داشته باشد.

اما نباید فراموش کرد که به اذعان بسیاری از مسئولان حکومتی، علت اصلی اینکه ایران در جنگ دوازده روزه توانست از تمامیت ارضی خود دفاع کند، این بود که عموم مردم، از حاکمیت در جنگ با دشمن پشتیبانی کردند. اما حالا اوضاع فرق کرده است. در هفته ی گذشته، تعداد قابل توجهی از شهرهای ایران، به خصوص در نواحی مرکزی شاهد برگزاری اعتراضات خیابانی بوده اند. ابتدا چنین به نظر می رسید که حکومت رویکردی جدیدی در قبال چنین اعتراضاتی پیش گرفته است. چنین به نظر می رسد که دولت جریان اعتراضی ای را که از بازار و در واکنش به افزایش قیمت ارز آغاز شده بود، اعتراضی به حق می داند و می خواهد به سخن این مردم گوش فرا دهد و از خواست آنها متابعیت کند. بسیاری از فعالان رسانه های حکومتی نیز از اینکه مردم صرفاً نسبت به وضعیت اقتصادی اعتراض دارند و شعارهای براندازانه نمی دهند، خوشحال بودند و دولت را تشویق به حمایت از معترضین می کردند. اما اوضاع چنان نماند و شعارهای سیاسی خیلی زود در میان معترضین جا باز کرد و اساساً این سوال مطرح شد که آیا می توان به وضعیت اقتصادی معترض بود اما حاکمیت را نقد نکرد و صرفاً دست اجرایی بی جان آن یعنی دولت را مقصر دانست؟ آیا وضعیت اقتصادی امروز ایران معمولی از سلطه طلبی وزورگویی حاکمیت قدرت و طلب و تمامیت خواهی نیست که سالهاست به قهر بر مردم حکومت کرده است؟ چرا آنان که بر مسند

بر این اساس می توان نتیجه گرفت که هرچند حاکمیت به ظاهر نرم خو شده است و نمی خواهد با معترضین به خشونت برخورد کند اما واقعیت این است که تغییری در رویه ی معیوب خود نداده است. حاکمیت اعتراضاتی را که در جریان است ارج می نهد چون بر این باور است که این اعتراضات می تواند انرژی انباشته شده در میان مردم را تخلیه کند. سیاسی شدن اعتراضات علاوه بر آن، به پذیرش وضعیت اقتصادی کمک می کند. شاید چندان منطقی به نظر نرسد که سیاسی شدن اعتراضاتی که در ذات خود سیاسی است و نه صرفاً اقتصادی، می تواند باعث شود که مردم مشکلات اقتصادی خود را فراموش کنند اما واقعیت جز این نیست. بالا رفتن قیمت دلار حالا مهم ترین خبری نیست که بین مردم دست به دست می شود، بلکه شعارهای خیابانی در صدر اخبار قرار دارند و مردم بیش از هر چیزی دل نگران این هستند که نکند باز بسیاری بی ثمر کشته شوند، بدون اینکه حاکمیت حتی یک قدم از موضع خود عقب برد و دیگر امید به بهبودی که از دل اعتراضات خیابانی برآید، نادرند.

آقایان چرچیل، پیر شده‌اید؛ خیلی پیر

✽حسین جعفری

چرچیل‌های پیر در هر نظامی نشانه‌ای است از فرسودگی نظام – نیاز امروز ایران به ساترلندی که بگوید: آقایان چرچیل، پیر شده‌اید؛ خیلی پیر!

چرچیل تا ۸۰ سالگی‌اش نخست‌وزیر ماند. در زمانی که حتی به سختی راه می‌رفت، به سختی نشست، حاضر به استعفا نبود. او آفتدر بزرگ بود که مردم محافظه‌کار ترجیح می‌دادند از مقابله با او کنار بکشند. در واقعیت اما چرچیل پیر شده بود خیلی پیر. با این حال چه کسی بود که بتواند

چرچیل پیر و بزرگ را به استعفا بکشاند؟ برای تولد ۸۰ سالگی چرچیل، نمایندگان مجلس اعیان و عوام تصمیم به برگزاری یک جشن ملی می‌گیرند. قرار می‌شود هدیه‌ی تولد آقای چرچیل نقاشی پرت‌رئاش باشد. این نقاشی پرت‌ره سفارش داده می‌شود به نقاش معروف «گراهام ساترلند». هنرمند نوگرای آن زمان.

چرچیل اما خودش نقاش است و برای همین به ساترلند یادآوری می‌کند که «او نباید نقاش چهره چرچیل باشد، بلکه باید تصویرگر چهره جایگاه چرچیل باشد». اما ساترلند صریح‌تر از آن است که چرچیل بزرگ‌شده را بکشد.

روز تولد در محل مجلس از نقاشی رونمایی و چرچیل از دیدن خویش در آن آئینه برآشفته می‌شود. او درصدد باز پس فرستادن نقاشی است. اما ساترلند به دیدن چرچیل می‌رود و به صراحت می‌گوید چرچیل می‌گوید گرچه دوستش دارد و قابل ستایشش می‌داند؛ اما صریح و بی‌مجامله تأکید می‌کند که «پیر شده‌ای آقای چرچیل!»

تابلو نقاشی ساترلند به دستور همسر چرچیل به آتش کشیده می‌شود. اما آتش اصلی، تصویری بود که به جان چرچیل افتاد و از استعفای از قدرت رهایش نکرد! چرچیل با دیدن خویش در آئینه هنر به این واقعیت پی‌برد که برای حفظ احترام خودش و نجات کشورش باید کنار بکشد!

پرده دوم:

پرده دومی وجود ندارد، فقط کافی است



ساترلندی صادق، دلسوز و البته وطن دوست و شجاع پیدا شود و پرده‌ها را کنار بزند و بجای محو بزرگی اشخاص شدن، مصلحت و منافع ایران را به نام بزرگان ترجیح دهد! آری، ایران امروز نیازمند ساترلند صریح و شجاعی است که خطاب به پیران قدرتمند نظام بگوید: پیر شده اید خیلی پیر؛ حتی پیرتر از چرچیل ۸۰ ساله! وای کاش پیران نظام لاف‌ل به اندازه چرچیل ۸۰ ساله تامل می کردند.